

در چند سال گذشته چسباندن واژه کاسبی به مفاهیم دیگر کار رایجی شده است که معانی خاصی هم تولید می کند: کاسبان تحریم، کاسبان کرونا و کاسبانی در رنگ ها و طرح های مختلف برای موضوعات گوناگون! قصه پر غصه هر سال کنکور که امسال هر ۲پخش قصه و غصه اش، به دلیل شرایط کرونا غلیظ تر شده بود هم کاسبانی دارد. کاسبانی که کارشان از اواسط تابستان شروع می شود و مشتری ها را تا تابستان بعد همراهی می کنند و بعد هم دورشان می اندازند و مشتری های تازه را با ویتترین تقلبی مشتری های قبلی جذب می کنند و این چرخه را هر سال با قدرت و البته سرمایه بیشتر تکرار می کنند! مطلبی که پیش روی شماست، قصه ای تکراری است با روایت هایی از زوایای جدید.

● کمک آموزشی یعنی چه؟

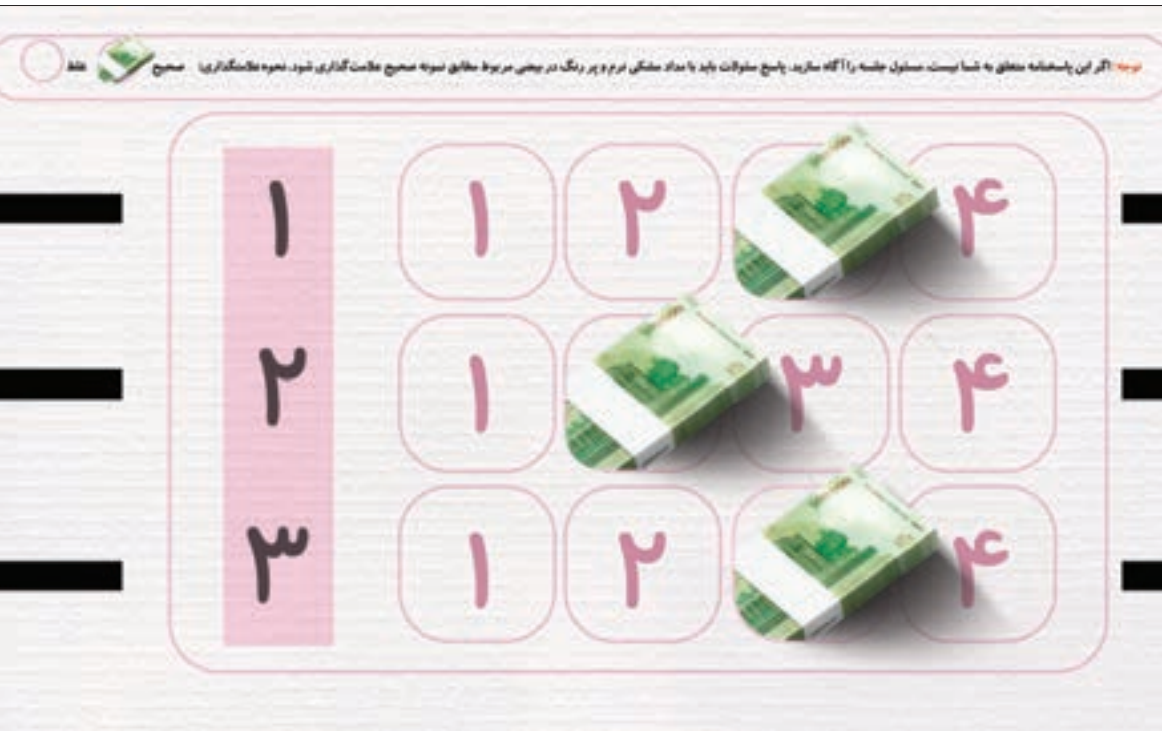
اگر «برره» نظام آموزشی و سنجشی ما یک «شیر فرهاد» داشت، حتما آن شیر فرهاد بعد از صاف کردن صدایش می پرسید که این کمک آموزشی که گفתי یعنی چه؟ یعنی چیزی که در کتاب های مدارس و کلاس های معلمان هست، کافی نیست؟ کمک آموزشی یعنی کتاب هایی اضافه بر سازمان و معلمانی پروازی لازم اند تا کمک کنند و دانش آموزان را جلو ببندازند؟ اصلا قبول. سیستم مدارس و معلمان ما و کتاب های درسی مان شاید برای شکستن دیوار کنکور زور لازم را ندارد و این عقب افتادگی را باید

طوری جبران کرد، یا به کتاب های رنگارنگ یک مؤسسه باج داد یا به کانسون آزمون های استاندارد مراجعه کرد یا معلم های پروازی را برای ۳شب و ۴روز جمع بندی، اجیر کرد! اما نکته این ها هم نیست، نکته اینجاست که گاهی زور این مؤسسه ها و آژانس های مسافرتی معلمان پروازی و کانون ها به قانون ها و روندهای صحیح می چربد. کتاب درسی تازه ای را تصور کنید که مهرماه

به دست دانش آموز می رسد، اما مؤسسه فلان در مردادماه هفت رنگ کتاب کمک آموزشی از آن بیرون کشیده است! آن یکی مؤسسه ادعا می کند که طراحان سؤالش طراحان کنکور سراسری در سال های قبل و شاید سال های بعد باشند، مگر می شود که چنین چیزی را بدانند؟ اگر می شود چرا کانون ها به قانون ها و روندهای مهم نباشد، اما چیزی که در بخش بعد به آن می پردازیم قطعاً مهم

رتبه یک کاسبی!

درباره آخرین مرحله از اقدامات مافیای کنکور که رتبه های برتر را به نام خود می زند



است. در بخش بعدی اصل مطلب را با استناد به توثیت پر بازخورد یک خبرنگار برای شما باز می کنیم! ● منتظر دروغ ها باشید!

این یک قصه تکراری است که تقریباً همه آن را بلدیم، تقریباً همه هم حدس مشترکی می زنیم که البته معمولاً اثبات شدنی نیست. قصه این است که رتبه های یک ۳ کنکور سراسری در رشته های مختلف قرار است تا چند روز آینده

با چهره ای معصوم و البته موفق رو به دوربین بنشینند و با لبخندی آرامش بخش بگویند که تا همین عماه پیش فکر رتبه تک رقمی را نمی کرده اند، اما بعد از شرکت در آزمون ها و آشنایی با کتاب های سبز و سیاه و گل بهی، توانسته اند درصدهای خود را از زیر ۱۰ درصد به بالای ۹۰ درصد برسانند و توصیه کنند به جای اینکه ۲۷۹۳ کتاب را بخوانید، کتاب قهوه ای را ۲۷۹۳ بار لازم است!

البته این فقط بخت ۳ تبه اول است که رودرو با مشتری های بخت برگشته بعدی از طریق دوربین تلویزیون حرف می زنند. رتبه های یک تا ۱۰ قرار است در مراسمی روی پلکان معروف بایستند و مثل زندانی ها شماره رتبه شان را جلو سینه شان بگیرند و در عکسی ماندگار شرکت کنند که نشان می دهد همه شان در آزمون های «فلان» بوده اند و کتاب های «چیز» را هم مطالعه کرده اند. اما امسال اگر چنین اتفاقی افتاد، لازم نیست حدس بزنید، بلکه مطمئن باشید این ها دروغی بیش نیست. مصطفی کبیری، مشاوران اخبار باشگاه خبرنگاران جوان، دیروز در توثیتی نوشت که با ۳۹ نفر از ۴۰ برگزیده کنکور سراسری تماس گرفته اند و نکته جالب این بوده است که صرفاً ۷ نفر یعنی ۱۷ درصد این افراد در کلاس های کنکور مؤسسات آزاد شرکت کرده اند!

اگر دوسه هفته آینده این بچه های معصوم را جلو دوربین جای خاصی دیدید، بدانید که ماجرا چیست و اگر طفل کنکوری دارید، او را از افتادن در این دام بر حذر کنید! البته که کاسبان کنکور راه های دررو خوبی هم بلدند، مثلاً در آزمون های پایانی سنجش که شاید نزدیک ترین رتبه ها به رتبه های کنکور را به دست می دهد، وقتی نفراتی را شانس رتبه تک رقمی تشخیص می دهند، از او برای یکی دو آزمون پایانی به صورت رایگان دعوت می کنند! تاروی کاغذ هم که شده است، این گزینه ثبت شود. دروغ کتاب ها و کلاس ها هم که به اثبات نیاز ندارد، فقط چند سکه بهار آزادی و چند میلیون پول لازم است!

چنین افرادی آن قدر مقتدرند که در مصاف مرگ پیروز می شوند و مرگ را می میرانند و خود برای ابد زنده می مانند.



مصطفی زالی | فعال توییتری
@mustafazali



محسن افشاری | فعال توییتری

پنج ساله بودم که جنگ شروع شد. سیزده ساله بودم جنگ تمام شد. همدان مسیر جنگنده های عراقی بود. اگر در زدن هدفی ناکام می ماندند، سر راهشان بمب ها را سر ما خالی می کردند. هنوز هم سالی چند بار خواب بمباران می بینم. مادر و خواهرهایم زیر آوار ماندند و پدرم از جبهه برگشته است. من با تمام قدرت روی خرابه ها زار می زنم.

سبقت لب تاپ از پراید

افزایش قیمت لب تاپ و لوازم الکترونیکی صدای کاربران فضای مجازی را درآورده است

مجبورند با آن ها دست و پنجه نرم کنند. به هر طریق آنچه عیان است، کاهش محسوس قدرت خرید مردم است و مقایسه ای که حتماً خیلی ها آن را با نرخ دلار انجام می دهند و در انتها هم می بینند که چیزی دستشان را نمی گیرد. «قیمت یکی از مدل های #لب تاپ DELL در سایت آمازون ۵۰۰ دلار است و در ایران ۱۸۳ میلیون. در آمریکا با یکی دو ماه #حقوق می توان این لب تاپ را خرید و در ایران با حقوق ۶سال». این یک نمونه از این واکنش هاست که حالا با هشتگ قدرت خرید و دلار در فضای مجازی به چشم می خورد. کاربرد دیگری از قیمت لب تاپ DELL Precision ۱۷ که در سایت آمازون ۴۹۹۹ دلار است می گفت و اینکه یک فرد آمریکایی می تواند با ۲ ماه حقوق خود یک لب تاپ به روز تهیه کند. اما همین لب تاپ با قیمت ۱۸۳ میلیون معادل ۷۰ ماه یا ۱۲ میلیون و ۹۵۰ میلیون تومان هم قیمت دارند. خیلی ها علت این افزایش قیمت را افزایش نرخ ارز می دانند و علاوه بر این، محدودیتی که در واردات وجود دارد. علت هر چه باشد، حالا شده است فشار دوچندانی روی دغدغه های دیگری که مردم این روزها

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

در ادامه سیر شگفت انگیزی که کالاها و محصولات مختلف طی کرده اند، حالا رسیده ایم به روزی که قیمت یک لب تاپ با خودروی مثل پراید برابری می کند. اگر این روزها کمی فضای مجازی را بالا و پایین کرده باشید، شما هم حتماً خبرش را شنیده اید. خبری که از قیمت های ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون برندهای مختلف دنیای لوازم الکترونیکی می گویند که در صدر آن لب تاپ ها و نوت بوک ها قرار دارند. مثال های متنوعی هم به چشم می خورد، از قیمت مک بوک پرو که از ۷۰ تا ۱۲۹ میلیون تومان در نوبس است تا لب تاپ DELL Precision ۱۷ که قیمت آن ۱۸۳ میلیون تومان اعلام شده است. بی بردن به این قضیه البته با یک گذر و جست و جوی ساده در فروشگاه های خرید لوازم الکترونیکی کاملاً عیان می شود. لب تاپ ها و برندهایی که شاید تا همین چند سال گذشته می شد آن ها را با بودجه های محدود خرید اما الان ۵۴ میلیون، ۶۴ میلیون، ۷۱ میلیون، ۱۲ میلیون و ۹۵ میلیون تومان هم قیمت دارند. خیلی ها علت این افزایش قیمت را افزایش نرخ ارز می دانند و علاوه بر این، محدودیتی که در واردات وجود دارد. علت هر چه باشد، حالا شده است فشار دوچندانی روی دغدغه های دیگری که مردم این روزها

حاشیه نگاری

دنا چیه؟ شاسی بلند می خوام!

نماینده قزوین در مجلس به گفته خودش برای عبور در مناطق کوهستانی به خودروی بهتری نیاز دارد

زهراسکندریان

z.eskandarian@shahraranews.ir

هنوز همه ها بر سر نمایندگان مجلس به دلیل ماجرای خودرو دنا پلاس تمام نشده که یکی از آنان گفته است: «من خودرو شاسی بلند می خواهم». لطفا... سیاهکلی، نماینده قزوین در مجلس شورای اسلامی، به اینلنا گفته است: «من برای رفتن به مناطق کوهستانی و روستایی شاسی بلند می خواهم، اگر این خودرو را بفروشم با ۴۰۰ میلیون تومان اضافه هم نمی شود شاسی بلند خرید». ماجرا از این قرار است که چند روز پیش روح...! ایزدخواه، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در اینستاگرام خود از تحویل خودروهای دنا پلاس به نمایندگان مجلس خبر داد: «چند روز پیش خودرو دنا پلاس اوتومات از سوی مجلس به نمایندگان متقاضی تحویل داده شد.» ایزدخواه همچنین در توضیحات بیشتر پست خود از گزینه هایی گفت که از آغاز به کار مجلس برای انتخاب خودرو پیش روی نمایندگان وجود داشت. یکی استفاده از خودرو مجلس با راننده است که در این صورت هزینه ها باید طبق کاربری و تعرفه از حساب ماهانه آن ها کسر شود، دیگری تحویل آمانی یک خودرو پارس صفر و برگشت آن در پایان دوره است که در این صورت پرداخت مبلغ مربوط به حمل و نقل از هزینه های دفتری ماهانه حذف می شود و این آخری که حالا خبرساز شده، فروش اقساطی یک خودرو صفر (دنا یا پارس) با قیمت کارخانه به نماینده است که اقساط آن باید به صورت ماهانه از حساب نمایندگان کسر شود. خودرویی که سند آن دست کم تا یک سال به نام مجلس باقی می ماند و امکان فروش به غیر ندارد. همین موضوع هم صدای خیلی ها را درآورد تا جایی که امام جمعه لوسان هم در تویتر واکنش تندی به این ماجرا نشان داد: «واقعاً پذیرفتنی نیست. اینکه چرا خودرو ایرانی این همه گران است، بماند. اما اینکه #نمایندگان مجلس دنا پلاس را قسطی گرفتند، یعنی چه؟ آیا معنایش تضمین تخلفات خودرو سازان و چراغ سبز برای سر کیسه کردن مردم نیست؟ شفافیت و پاسخ گویی به مردم و نمایندگان مجلس در این مورد باید بیشتر باشد. ادامه این واکنش ها هم بر برخی نمایندگان اعلام کردند که از دریافت خودرو خودداری می کنند، اما صحبت های دیروز نماینده قزوین دوباره این جنجال را به صدر اخبار بازگرداند: «اینکه نماینده باید هم پول خودرو بدهد، هم سوار خودرو خود شود تا به مردم خدمت کند و هم باید توضیح دهد که چرا خودرو خریده است، جای سؤال دارد. اگر این خودروها حتی با ۵۰ میلیون تومان در اختیار نمایندگان قرار می گرفت، باز هم نماینده متضرر می شد، زیرا باید همه هزینه ها شامل بنزین، هزینه تعمیر و نگهداری و افت خودرو را نماینده بپردازد و بعد از ۴ سال نیز خودرو اسقاط شود. در حالی که دولت باید همه امکانات لازم شامل ساختمان، خودرو و کارکنان را در اختیار نماینده قرار دهد.» سیاهکلی با بیان اینکه در دوره قبل نماینده ها شاسی بلند گرفتند، ادامه داد: «ما از جیب خودمان خودرو می خریم و در ۴ سال این خودرو اسقاط می شود، آیا این درست است که این هزینه از جیب من نماینده باید پرداخت شود؟!» صحبت های این نماینده مجلس با واکنش های مختلفی در فضای مجازی روبه رو شد، مثل کاربری که نوشت: «حالا باز خدارو شکر نگفته برای رفتن به منطقه الموت بالگرد و باند اختصاصی می خوام! خب زمان تبلیغات با چی می رفتی؟ حالا هم با همون برو!» کاربر دیگری هم نوشته است: «یعنی مشکلات شهر رو حل کر دید فقط مونده مشکلات مناطق روستایی و کوهستانی؟» و اما کاربری دیگر به موضوع نایم بودن خودرو خود اشاره کرده و گفته است: «منم به خودروایم و راحت با مصرف پایین می خوام. یه پراید مدل ۸۸ دارم.»



فؤاد: سمیره تومارو دوست داشتی. سمیره: من یه معلم رو دوست داشتم. فؤاد که فکر می کردم آدمه! فؤاد: اون آدم منم. اینجاست. سمیره: لباسات رو نگاه کن. فؤاد: تومال من باش. من این لباس رو آتیش می زنم. سمیره: تو آگه می تونی خودت رو آتیش بزنی! فؤاد: سمیره من به خاطر تو آدم کشتم. سمیره: اون آدم بود، ولی همه اونایی که هر روز هزارتا هزارتا دارن روز زمین می یزن و مثل کل پریر می شن، آدم نیستن، ها؟!

روز سوم، ۱۳۸۶

وقتی بچه هستی، مدام از تو می پرسند: «حالا فرض کنیم همه مردم خودشون رو انداختن توی چاه، تو هم باید این کار رو بکنی؟» وقتی بزرگ می شی ماجرا فرق می کنه. آدم ها بهت می کنن: «آهای، همه دارن می پرین توی چاه، تو چرا نمی پری؟»

جزء از کل، استیو تولتز

روزنامه شهرامید ورزشکی

۴شنبه ۲۹ شهریور ۱۳۹۹ شماره ۳۲۰۹

SHAHRARANEWS.IR

روزنامه